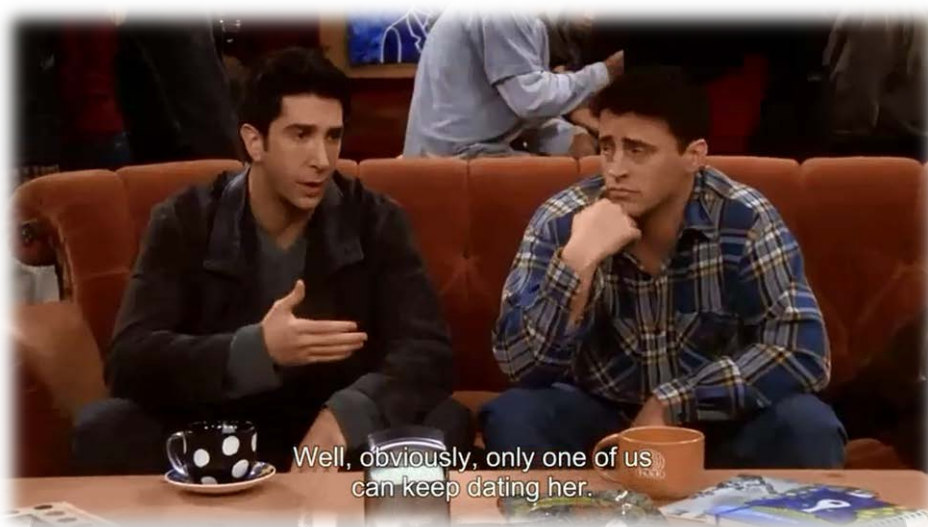


# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

### فراندز نکته 1 :



Well, obviously, only one of us can keep dating her.

اول پریم سراغ کاربرد **obviously**.

یعنی به طور مشخص، مشخصاً، مترادفش همیشه **clearly**.

We're **obviously** going to need more help.

مشخصاً قراره به کمک بیشتری نیاز داشته باشیم.

Cost is **obviously** important.

هزینه مشخصاً مهمه.

He **obviously** likes you.

اون مشخصاً دوست داره.

تمام (این مثال ها) به یه حقیقتی اشاره میکنن که به راحتی قابل فهمیدن، به راحتی همیشه متوجه شد.

### فراندز نکته 2 :

بعد از **keep** از شکل **ing** دار فعل استفاده میکنیم.

(to) keep doing something

# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

یعنی انجام یه کاری رو ادامه دادن ، یا مرتب یه کاری رو انجام دادن  
(اینجا میگه :

Only one of us can **keep** dating her.

فقط یکی از ما میتونه به رابطه با اون ادامه بده.

گاهی وقتا بعدش یه حرف اضافه ی on هم میاد.

I **keep** thinking about Joe, all alone in that place.

من مرتب دارم به چویی فکر میکنم، تک و تنها توی اونجا.

You just have to **keep on** trying.

فقط باید به تلاش کردن ادامه بدی.

Don't **keep** blaming me.

مرتب منو سرزنش نکن.

### فراندز نکته 3

یه نکته در مورد این کاربرد **date** بگم برات!

**date someone**

توی انگلیسی آمریکایی یعنی با کسی رابطه ی عاشقانه داشتن.

**go out with someone** مترادفش همیشه

Is he still **dating** Sarah?

هنوز با سارا توی رابطه س؟

Are Akbar and Sekineh **dating**?

اکبر و سکینه توی رابطه هستن؟

# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

### فرندز نکته 4 :

خود همین ایشون به الگوئه!

Only one of us can do something

فقط یکی از ما میتونیم فلان کارو انجام بدیم.

Only one of us can stay here.

فقط یکی از ما می‌تونیم اینجا بمونیم.

Only one of you can buy this house.

فقط یکی از شما میتونین این خونه رو بخرید.

Only one of them can be the winner.

فقط یکی از اون میتونه برنده باشه.

### فرندز نکته 5 :



Obviously. So how do we decide?

یه الگوی ساده و خوشگل داریم :

How do we do something?

# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

چچوری فلان کارو انجام بدیم؟!

مثلا:

How do we get there?

چچوری پرسیم اونجا؟

How do we know you're telling the truth?

چچوری بدونیم تو داری حقیقت رو میگی؟

How do we learn English?

چچوری زبان یاد بگیریم؟

فراندز نکته 6 :



وقتی میگویم :

Let's look at this **objectively**.

یعنی بیا بدون غرض ( بی طرفانه ) بهش نگاه کنیم.

پس وقتی شما به چیزی رو **objectively** در نظر بگیرید، سعی میکنی به حقایق فکر کنی و تحت تاثیر احساسات و نظرات شخصی خودت قرار نگیری.

# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

Try to look at your situation **objectively**.

سعی کن بدون غرض به موقعیت خودت نگاه کنی.

I was too upset to see things **objectively**.

برای دیدن بی طرفانه ی چیزها پیش از حد ناراحت بودم.

Try to view the situation **objectively**.

سعی کن موقعیت رو بی طرفانه ببینی.

پس دیدی که با فعل های **see** ، **look** و **view** میتونه کالوکیشن بسازه!

**فراندز نکته 7 :**



I think I should date her.

بازم یه الگوی ساده و کاربردی داریم :

**I think I should do something**

فکر میکنم باید ( بهتره ) فلان کارو انجام بدم.

**I think I should see him.**

فکر میکنم بهتره ببینمش.

**I think I should talk to her.**

# F.R.I.E.N.D.S

## Sample\_3

فكر كنم بهتره باهانش حرف بزنم.

I think I should sleep more.

فكر كنم بهتره پيشتر بخوابم.



You will never regret being kind.